

مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۰ - زمستان ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۱ - بهار ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۲ - تابستان ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۳ - پاییز ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۴ - زمستان ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۵ - بهار ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۶ - تابستان ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۷ - پاییز ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۸ - زمستان ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰
مجله علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۲۰ - تابستان ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰

فصلنامه علمی و پژوهشی «فلسفه» - شماره ۱۰ - زمستان ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷

شارلوت برونته



ویلِت



ترجمه رضارضایی



نشرنی

.....	۶۶۷
.....	۶۹۷
.....	۵۷۷
.....	۵۸۷
.....	۲۰۷
.....	۰۶۷
.....	۲۵۷
.....	۹۹۷
.....	۶۸۷
.....	۲۰۷

فهرست مطالب

سخن مترجم ۷

بخش اول: فصل‌های ۱ تا ۱۵

.....	فصل ۱: برتن	۱۳
.....	فصل ۲: پالینا	۲۳
.....	فصل ۳: همبازی‌ها	۳۳
.....	فصل ۴: دوشیزه مارچمنت	۵۷
.....	فصل ۵: آغاز مرحله‌ای دیگر	۶۸
.....	فصل ۶: لندن	۷۵
.....	فصل ۷: ویلت	۹۱
.....	فصل ۸: مادام بیک	۱۰۴
.....	فصل ۹: ایزیدور	۱۲۴
.....	فصل ۱۰: دکتر جان	۱۳۹
.....	فصل ۱۱: اتاقک دختر خدمتکار	۱۴۹
.....	فصل ۱۲: جعبه	۱۵۸
.....	فصل ۱۳: عطسه بی‌موقع	۱۷۲
.....	فصل ۱۴: جشن	۱۸۶
.....	فصل ۱۵: تعطیلات تابستانی	۲۲۵

بخش دوم: فصل‌های ۱۶ تا ۲۷

فصل ۱۶: روزهای خوش گذشته.....	۲۴۳
فصل ۱۷: لا تراس.....	۲۶۲
فصل ۱۸: جز و بحث.....	۲۷۵
فصل ۱۹: کلئوپاترا.....	۲۸۵
فصل ۲۰: کنسرت.....	۳۰۲
فصل ۲۱: واکنش.....	۳۳۰
فصل ۲۲: نامه.....	۳۵۳
فصل ۲۳: وشتی.....	۳۶۶
فصل ۲۴: موسیو دو باسومپیر.....	۳۸۴
فصل ۲۵: کنتس کوچولو.....	۴۰۲
فصل ۲۶: خاکسپاری.....	۴۲۰
فصل ۲۷: هتل کریسی.....	۴۴۰

بخش سوم: فصل‌های ۲۸ تا ۴۲

فصل ۲۸: زنجیر ساعت.....	۴۶۳
فصل ۲۹: جشن موسیو.....	۴۷۸
فصل ۳۰: موسیو پل.....	۴۹۶
فصل ۳۱: دروئاد.....	۵۱۱
فصل ۳۲: نامه اول.....	۵۲۵
فصل ۳۳: خوش‌عهدی موسیو پل.....	۵۲۷
فصل ۳۴: مایوولا.....	۵۴۸
فصل ۳۵: برادری.....	۵۶۴
فصل ۳۶: تخم نفاق.....	۵۸۱
فصل ۳۷: آفتاب.....	۶۰۱
فصل ۳۸: ابر.....	۶۲۲
فصل ۳۹: آشنای قدیم و جدید.....	۶۵۵
فصل ۴۰: زوج خوشبخت.....	۶۷۰
فصل ۴۱: محله کلوتیلد.....	۶۷۹
فصل ۴۲: پایان.....	۶۹۸
فهرست نام‌ها.....	۷۰۵

سخن مترجم

شارلوت برونته در ۲۱ آوریل ۱۸۱۶ در تورنتن (برادفرد)، یورکشیر، شمال انگلستان، به دنیا آمد. او سومین فرزند خانواده بود. پدرش کشیشی ایرلندی بود. در سال ۱۸۲۰ افراد خانواده به هاوِرت، در همان یورکشیر، کوچ کردند و پدر خانواده کشیش مقیم آن ناحیه شد و تا زمان مرگ (سال ۱۸۶۱) این مقام را حفظ کرد. مادر خانواده در اواخر ۱۸۲۱ از دنیا رفت. شارلوت برونته خواهر بزرگ‌تر امیلی برونته (۱۸۱۸-۱۸۴۸) و ان برونته (۱۸۲۰-۱۸۴۹) بود که آن‌ها نیز امروزه از بزرگ‌ترین نویسندگان کلاسیک جهان به حساب می‌آیند. شارلوت برادری هم داشت به نام پاتریک برانول برونته (۱۸۱۷-۱۸۴۸) که زندگی‌اش غم‌انگیز و کوتاه بود. دو دختر هم قبل از شارلوت به دنیا آمده بودند که در طفولیت مرده بودند.

شارلوت، مانند خواهرش امیلی، در کاون بریج به مدرسه مخصوص دختران کشیش‌ها رفت (که شبیه مدرسه لووود در رمان جین ایر بود). از ۱۸۳۵ تا ۱۸۳۸ معلم مدرسه بود و بعد هم مدتی در خانه‌ها درس می‌داد. در سال ۱۸۴۲ برای یادگیری زبان فرانسه و آلمانی با امیلی به بروکسل رفت (که رهاورد این سفر بعداً در رمان ویلت انعکاس یافت) و در سال ۱۸۴۳ همان‌جا بار دیگر به تدریس پرداخت. شارلوت در سال ۱۸۴۴ به هاوِرت برگشت و با دو خواهرش مدرسه‌ای به راه انداخت اما شاگردی در مدرسه آن‌ها ثبت‌نام نکرد.